

جام جم



گفت‌وگوی «جام‌جم» با نادر سلیمانی، بازیگری که ۳ فیلم متفاوت بر پرده سینما دارد

انقلابی در سینما رخ داده است

صفحه ۸



در گفت‌وگوی «جام‌جم» با آرش فلاحت‌پیشه کارگردان نمایش «معبد اقیانوس» مطرح شد

فقر قصه و روایت در آثار روی صحنه

گزارش «جام‌جم» از برنامه‌های انتخاباتی رادیو و تلویزیون

رسانه ملی تمام قد در خدمت انتخابات

۶



گفت‌وگو با علی بلندنظر، کارگردان مستند «تفنگداران جنوب»

داستان دلیرمردان استعمارستیز

۱۰



زاویه دید

دوشنبه‌نوشته‌ها

محمد تقی فهمی | نویسنده

فراکنشی «دولتی - خصوصی» را جدی نگیریم!؟



این روزها حاشیه‌سازی پیرامون سینمای دولتی / خصوصی داغ است. این موضوع البته مربوط به امسال و پارسال نیست. این‌که وظیفه دولت حمایت از بخش خصوصی است شک‌بردار نیست. اما در عرصه فرهنگ و هنر، این گرایش که (برخلاف عرصه تولید صنعتی و پتانسیل، خدماتی) همواره ابتدال تهدیدکننده است نیز کاملاً بدیهی است. ولی چرا جریاناتی آگاهانه و بعضاً غیرعمد در زمین ایندال بازی می‌کنند، از دو حالت خارج نیست. یا ذی نفع بودن و سود مالی در آن دخیل است یا اهداف جناحی و سیاسی عامل جنگال‌های مرتبط است. اساساً در سینما، فیلم یا خوب است یا بد. همین. حداقلش از منظر نقد چیزی جز فیلم خوب و بد نداریم، بنابراین حاشیه‌سازی پیرامون این‌که فیلم دولتی است یا خصوصی دقیقاً نوعی فراکنشی با اغراض جناحی / سیاسی است. البته از منظر تحلیل نهاد سینما، پول وارده به سینما قابل پیگیری و بررسی است اما از خاستگاه نقد، ارزش فیلم در چارچوب قوت و ضعف (به خصوص فرمیک) آن قابل بررسی است. اگر گروهی از خبرنگاران حوزه سینما و منتقدان درجه پایین‌تر را به حساب نیاوریم، چراکه این دسته‌بندی‌ها در عرصه سینما معمولاً بی‌موج و شبه‌موج‌ها هستند و از خود صاحب تحلیل تحقیقی و صاحب نظر (به لحاظ تئوریک) نیستند و نیز برخی صاحبان تریبون و منتقدان وادار (و کارت به کارت) آنها را هم در این زمینه در نظر بگیریم، بقیه و آن دسته از منتقدان جدی و دارای رای در صحنه رسانه و سینما که پرچم نفی سینمای دولتی و دفاع از فیلم‌های ساخته شده در بخش خصوصی را بلند کرده و می‌کنند، به شدت دچار تناقض و پارادوکس هستند. بهتر است تا جایی‌تر و تصادفی به قضیه بپردازیم. مثلاً گروهی که پیرامون این موضوع، به خصوص در چند سال اخیر، به بحث و نظر پرداخته‌اند و ناتوانسته‌اند یا جنگال درباره چرایی فیلم‌های ارگانی تاخت‌وتاز کرده‌اند، بهترین‌های فهرست دوره‌ای آنان همواره فیلم‌هایی بوده و هست که اتفاقاً با بودجه‌های عمومی ساخته شده‌اند. آیا کسی منکر فیلم «روز واقعه» است. اثری که خرده‌ریال‌های آن (راهم دولت و قارایی برداخته است. فیلم‌های (مرحومان) شاپور قریب، عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی اغلب چه قبل انقلاب و چه پس از انقلاب در بخش دولتی یا با بودجه‌های عمومی ساخته شده‌اند. فیلم «گاو» حمایت مستقیم وزارت فرهنگ وقت را داشت و «سنجری» با مشارکت اصلی دولتی ساخته شد. همچنان‌که بهترین‌های ابراهیم حاتم‌کیا توسط نهادهای عمومی سرمایه‌گذاری شده‌است. اساساً موج‌نوی‌های قبل انقلاب اغلب در بدنه دولت درخشیدند. مگر ناصر تقوایی «دایی جان ناپلئون» را برای کجاساخت؟ فیلمی که دو سال قبل تقریباً مورد وثوق بسیاری از منتقدان قرار گرفت، یعنی «موقعیت مهدی» در همان خاستگاه سربال تقوایی تولید شد، یعنی تلویزیون و... خلاصه این‌که تأثیر جریان‌ات سیاسی و باندی باعث شده تا در این زمینه خلط مبحث شود تا آنجا که خیلی از رسانه‌ها فاقد اطلاعات لازم هستند نیز به گمراهی در موضوع‌گیری کشیده شده‌اند. دقت کنید، آیه مضحک‌تر از این می‌شود که سایت و منتقدی که دائم علیه فیلم‌های ارگانی / دولتی تبلیغ می‌کرد، علاوه بر این‌که خود ازجمله کارشناسان ثابت برنامه‌های زنده تلویزیون است، سال گذشته بهترین فیلم انتخابی‌اش «غریب» بود که اثری ساخته شده با حمایت ارگان‌هاست. بنابراین هیاهوی پیرامون فیلم ارگانی یا خصوصی را جدی نگیریم و فقط گزاره فیلم خوب یا بد را در اولویت نقد و انتخاب‌های مان قرار دهیم. البته به لحاظ اصولی حضور دولت در زیرساخت‌های سینما توجیه‌پذیرتر است، ولی در نبود بخش خصوصی ملی و قدرتمند، حذف ارگان‌ها، کارکردی جز توقف سینما ندارد. همچنان‌که فقدان انگیزه غالب تهیه‌کنندگان دولتی، به خصوص در مقطع پس از تولید، قابل نقد جدی است امانتی سرمایه‌گذاری ارگان‌ها در تولید نیز چیزی جز فراکنشی و خدمتکار جناح‌ها بودن معنی نمی‌دهد.

رواج گفت‌وگوهای غیرکلیشه‌ای و آزاداندیشانه این روزها در شبکه‌ها و برنامه‌هایی مانند شیوه، جریان و... یک سیمای امیدبخش و یک چهره نگران‌کننده دارد؛ امیدبخش برای گام کوچکی به پیش در صراحت گفت‌وگو از گفتمان‌ها به وسیله چهره‌های نامور در ژورنالیسم فرهنگی و سیاسی است اما این مرز مستی و ناهشیاری انتخابات است؟ این نگران‌کننده است؛ بی‌رودربایستی بگوییم راهنمایی ولی معزز فقیه در خصوص آزاداندیشی علمی با وجود مدت طولانی که از بیانش می‌گذرد، هنوز نمر نداده و کند پیش می‌رود و به جنبش پیشران بدل نشده و شناخت علل این ناکامی و کندروی ضروری است. نباید اجازه داد این آرمان فرهنگی بدل به ابزار کوتاه‌بینانه جلب رای و اتفاق گذرا در دوره‌های انتخابات شود. مدیریت انقلابی صدا و سیما در قلمرو کار خود باید شدیداً با این آفت مقابله و مسیر سازمان یافتگی «بیان» را هموار کند تا تبیین حقیقت در ایران سامان مند شود. شناخت مشکلات بنیادین ما در گرو این سازمان یافتگی بیان آزاد علمی و واکاوی‌ها، پژوهش‌ها، گفت‌وگوها و حتی مجادلات است. شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف، راه رشد و درک موانع توسعه نظری و اقدام، خود به همین گفت‌وگو از مناظر مختلف گفتمانی و بحث حول آن و دفاع انقلاب اسلامی از گفتمان انقلابی توسعه در گفت‌وگو با منتقدان بستگی دارد. سلطه سخن مجتهدانه و تخصصی و عالمانه و غلبه آن بر چهل و هیاهو هم باز بی‌شک به سازمان‌دهی همین آزاداندیشی مورد تأکید رهبر عزتمند در فضای علمی حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و پژوهشگاه‌ها وابسته است.

اجتهاد علمی

گفت‌وگوی جدی، مستمر، عالمانه، تخصصی، راهنما و در مسیر پیدایش، راه‌حل‌های اساسی حل مشکلات و رفع انسدادهای موجود و جبران گزراهی و نفی جاهل و دستپایی به دانش محکمی، گم‌گشتگی مردمی و تهی‌شدگی و یا در هوایی حال حاضر است. اکنون باید مجالی جدی برای واکاوی علل سازمان نیافتگی آزاداندیشی در مقیاس گسترده اجتماعی پیش و بعد از انقلاب و دلایل متمایز آن دو، فراهم آورد و راه واقعی رفع انسداد و راه‌ریشه توسعه آزادی برای جهد و اجتهاد علمی را یافت. به نظرم تداوم ساختار پیرامونی و منافع رانته در قدرت ضد انقلابی مهم‌ترین سد انقلاب اسلامی و نیز علت نیندیشیدن جدی به راه کم هزینه‌تر تحول بنیادین رشد و ازجمله توسعه آرای مغفول در قلمرو گفت‌وگو آزاداندیشانه است. این تأکید رهبر انقلاب است که دست‌کم مجامع علمی حوزه و دانشگاه برای حیات مثل نیاز ماهی به آب به آزاداندیشی محتاج‌اند و متأسفانه بی‌توجهی به این امر تا همین حالا سبب عدم تشخیص اصلی‌ترین معضل‌های ما و تحول ساختاری



چرا کرسی‌های آزادی‌اندیشی برای جامعه اسلامی مهم است؟

گفت‌وگواز گفتمان

بدانیم؛ آیا برای تحقق نسبی آزاداندیشی باید منتظر تحقق جامعه آخرالزمان یا تغییر کامل جامعه پیرامونی بمانیم؟ آیا انقلاب اسلامی اسیر ماجرای اول مرغ یا تخم مرغ، به امر لاینحل ابدی بدل می‌شود؟ از یاد نبریم در عالم علم به حقایق پاسخ به متناقض نمای مرغ یا تخم مرغ لاینحل نیست و با وجود نسبت متقابل رشد ساختاری و رشد آزادی مغفول، نیرویی بین جبر و اختیار دارای خرد و اراده، در همین فضای بینابینی، می‌تواند سلوک و مسیر رشد را طی کند و با آزاداندیشی، گفت‌وگو، جدل احسن و تشخیص راه‌حل‌ها با قطب‌نمای هدایت قرآن و خاندان وحی راه‌حل تحول ساختاری را روشن کرده و برنامه‌ریزی کلانش را پیش ببرد. قاعده کار در عصر غیبت تا ظهور قیام قائم (عج) این جهاد تشخیص تکالیف اصل است و چه وظیفه تزکیه نفس فردی و چه راه مغفول سالم‌سازی اجتماعی را در همه دوران‌ها بالنسبه و در مقیاس انجام تکالیف، معین می‌کند.

عمل عقلایی

مشکل بزرگ جریان‌های گوناگون مدرن آن است که این کلید و مفتاح عمل عقلایی را در اسلام کنار می‌نهند و هریک در غیاب هدایت وحی و عقل الهی با عقل محدود مستقل از هدایت الهی می‌خواهند راه‌حل دلخواه تعیین کنند و این خود تشنت تازه و آشوب جدید بپا کرده و در غیاب هدایت الهی و فقدان ریسمان وحدت، مانع تشخیص درست تکلیف و رجوع به قرآن و اهل‌اللبیت و رهبری ولی عصر (عج) برای اجرای منویات متعالیه و حکمت‌های نورانی در راه سلوک و تغییر می‌شود. در هر زمان ولو دوران سیاه مدینه بعد از عاشورا تکالیف برای تغییر روشن است و امام معصوم (ع) راه را و اقدام مقتضی را پیش می‌برد و در عصر غیاب هم این رهبری به عهده فقیه ميسوط الید است که جامع شرایط ضروری و توان رهبری، تفقه، عقل، عدالت و تدبیر است و گرد آمدن نیروها و جمع‌کردن ملت راه‌یافته و نخبگان و استعداد‌های گوناگون و دانا و توانا را روش دارد. شکستن این نظام و عهد و ایجاد تفرقه و اصرار در مسیرهای گوناگون مشتت همان وسوسه نفاق و شیطن شیطین است. این وحدت بر

محور چهل نیست، بلکه گفت‌وگوی عالمانه تحقق می‌یابد و بهترین مسیر را ولی فقیه عاقل، عادل، متقی، آگاه و بصیر از زل پراهن و جدل احسن جمع‌بندی می‌کند و این نیازمند آزاداندیشی در جامعه اسلامی است که هیچ‌آری سرمایه‌سالارانه و لیبرال یا تمرکزگرای توتالیتر و سوسیالیستی حریص دنیوی و وانمودهای مدرن به پای آن نمی‌رسد. این اسلام است که بدون فرب و سیطره سرمایه و پول و زور، به عنوان تکلیف و حق، به سخن‌های آزاداندیشانه توجه و بهترین‌ها را بر مبنای هدایت الهی بر می‌گزیند. فصل الخطاب برای ممانعت از اغتشاش همان فقه ولایت‌فقیه است که فراتر از رساله عملیه و عبارت فردی تفقه در راه استقلال، آزادی، عدالت، پیشرفت و راه ملی و بین‌المللی اقدام رهبری اسلامی را تبیین می‌کند.

برش

گفتمان‌های توسعه در رسانه

مشکل روشنفکران و مدرن‌های ما برهم زدن این پایه استوار تحول بنیادین ایران و بی‌توجهی به آن و پیمودن راه اسلام‌زدایی است. آنان بدانند یا نه به این وسیله به سربازان مدرنیته تبدیل می‌شوند که ذاتاً جهان را به قدرت‌های سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کند. جامعه اسلامی حتی اگر نتواند نمی‌خواهد استعمارگر و ظالم و برده‌کننده باشد؛ این حرمش عیان است، سلطه‌پذیر و برده‌کننده برای اسلام حرام است. به‌رغم آن‌که مدرن‌ها این راه روشن اسلام را نپذیرفته و ۴۰ سال چوب‌لای چرخ دفاع از گفت‌وگوها هرگز به معنی تأیید مواضع گوینده‌های مختلف نیست بلکه جدل احسن و نقد برهانی و تشخیص عقلانی و مستدل درست‌وند است آنها را منظر عقل و اسلام ست. باید امید داشت گفت‌وگو در سطح برترین نخبگان دینی و غیر دینی و مراجع علمی و فقها و اساتید به شیوه علمی و شیوه علاقه‌و آداب جست‌وجوی حق پیش‌رود.

شناخت انسداد آزاداندیشی

بیبایم به‌طور جدی فراتر از مقتضیات و ضرورت‌های بدیهی انتخابات، فرصت را برای شناخت انسداد آزاداندیشی مغنم